

تأثیر متقابل ادبیات ایران و عرب

در حاشیه همایش تأثیر متقابل ادبیات ایران و عرب
دانشگاه الزهراء از ۸/۱۵/۸۰

دکتر محمد فاضلی

این همایش پی‌گیری و تعقیب کارهای نخستین همایشی در این زمینه بود که در سال ۱۹۹۹ در دمشق صورت گرفت. آنچه ضرورت این همایش را ایجاب می‌کرد و تلاش و کوشش برگزارکنندگان را تأیید و تحسین می‌نمود مسائل و نکات زیر بود:

- الف- اهمیت حفظ پل‌های ارتباطی بین ادبیات عربی و فارسی و گسترش آن.
 - ب- تعمیق و تحکیم پیوندهای برادرانه و اسلامی دو ملت ایران و عرب.
 - ج- تمایل به رشد ریشه‌های این تأثیر متقابل در حال و آینده.
 - د- تلاش در جهت دستیابی به افق‌های نوینی که بیش از پیش تعمیق این روابط را تحکیم بخشد، و بر اصل تحول و شکوفایی آن در زمینه‌های مختلف رهنمون شود.
- این همایش که با تأخیر در تاریخ یاد شده برگزار گردید، پنج محور را برای بحث و ارائه مقالات به شرح زیر تعیین کرده بود:

محور اول- ترجمه ادبی در زبان عربی و فارسی.

این محور زیر مجموعه‌هایی را تشکیل می‌داد، از جمله:

- الف- فرازونشیبهای ترجمه آثار ادبی فارسی و عربی در گذشته و حال.
 - ب- مترجمان نامور آثار ادبی فارسی و عربی، در گذشته و حال.
 - ج- نقد و بررسی ترجمه‌های متعدد از یک اثر ادبی.
 - د- مشکلات ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس.
 - ه- نقش آثار عربی ترجمه شده به زبان فارسی در آگاهی ایرانیان نسبت به ادبیات جهانی، و بالعکس.
- محور دوم- پژوهش‌های ادبی و نقدی و بلاغی عربی پیرامون ادبیات فارسی، و بالعکس.
- این محور در هر کدام از بخش‌های خود مسائل ریزی را مد نظر قرار داده بود، مثلاً در زمینه نقد می‌توان از مباحث زیر یاد کرد:

- الف- بررسی نقد قدیم عربی و فارسی.
- ب- تأثیر متقابل آرای ناقدان عرب و ایرانی بر یکدیگر.
- ج- تأثیر نقد یونانی بر پژوهش‌های نقد عربی و فارسی.

د- ناقدان برجسته ادب عربی و فارسی، و آثارشان.
 ه- مکتبهای نقد جدید و تأثیر آن در میراث ادبی فارسی و عربی.
 و- نقد ادبی معاصر، و نقش آن در نوآوری ادب عربی و فارسی.
 ز- مقایسه جریانهای نقد در اشکال مختلف ادب معاصر عربی و فارسی (شعر، قصه، داستان بلند، نمایشنامه).

- در بخش بلاغت، می توان از این مسائل نام برد:

الف- تأثیر متقابل بلاغت فارسی و عربی.

ب- مقایسه بلاغت جدید عربی و فارسی.

ج- تأثیر بلاغت غرب در علمای بلاغت عرب و ایران.

د- بررسی و نقد آثار بلاغی عربی و فارسی.

- و در بخش پژوهشهای ادبی این مسائل چشم گیر بود:

الف- پژوهش و تحقیق در ادبیات تطبیقی عربی و فارسی.

ب- شیوه بحث در زمینه مقایسه و تطبیق ادبیات عربی و فارسی.

ج- پیدایش و تحول زمینه ادبیات تطبیقی در عربی و فارسی.

د- نویسندگان برجسته ادبیات تطبیقی در عربی و فارسی، و پژوهشهای آنها.

ه- نقد و بررسی جریان تدوین تاریخ ادبیات در هر دو زبان.

و- بررسی و ارزیابی کتبی که در زمینه شرح حال نویسی در هر دو زبان موجود است.

ز- مقایسه مصطلحات ادبی و همچنین اسالیب و سبکهای ادبی در هر دو زبان.

محور سوم- تأثیر متقابل شعر و نثر دو زبان در یکدیگر

در زمینه شعر مباحثی از این قبیل خودنمایی می کرد:

الف- فنون و اشکال شعر در قدیم و جدید، چون قصیده، غزل، رباعی، مثنوی، شعر مثنوی، شعر سپید و شعر مرسل (فاقد قافیه).

ب- اقسام شعر، چون: غنائی، نمایشنامه ای و حماسی.

ج- بحور و اوزان عروضی هر دو زبان.

اما در زمینه نثر روی مباحثی از این قبیل تکیه شده بود:

الف- تأثیر متقابل نثر فارسی و عربی در یکدیگر.

ب- مقایسه اسلوبها و سبکهای نثر فارسی و عربی با هم.

ج- مقایسه فنون نثر معاصر در فارسی و عربی با یکدیگر، از قبیل داستان بلند، داستان کوتاه،

نمایشنامه، و روزنامه و مجلات...

محور چهارم- برخورد لغوی دو زبان با یکدیگر

این محور شامل چنین مباحثی می‌شد:

الف- تأثیر صرف و نحو عربی در تدوین قواعد زبان فارسی.

ب- وامگیری لغوی در فارسی و عربی، از قبیل مفردات، مصطلحات و امثال و حکم.

ج- فرهنگ‌نویسی و تدوین لغتنامه‌ها در دو زبان.

محور پنجم- تحقیق و پژوهش، تدریس و تعلیم زبان فارسی و عربی در کشورهای یکدیگر

این محور چنین مسائلی را در بر داشت:

الف- مراکز و اماکنی که به چنین رسالتی اختصاص یافته است.

ب- دشواری و مشکلات این کار، در کشورهای یکدیگر، در مورد هر دو زبان.

ج- تأثیر دانش زبان‌شناسی غربی در شیوه تدریس و تعلیم این دو زبان.

د- نقد و بررسی در زمینه مسائل و مباحث علمی هر دو زبان، روزنامه‌ها و مجلات، پایان‌نامه‌ها، و

تصحیح و تحقیق نسخه‌های خطی در فارسی و عربی.

این همایش گسترده از نظر مباحث و مسائل طرح شده، و هم از نظر شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی

دارای محاسن و ضعفهایی بود که در ذیل بدان اشارت می‌رود.

از محاسن همایش می‌توان این موارد را برشمرد:

۱- گسترده‌گی مباحث و مسائل و محورهای پژوهشی در همایش؛ که به صاحبان فکر و اندیشه مجال

بیشتر می‌داد تا فراخور ذوق و سلیقه و تخصص خود در یکی از زمینه‌های تعیین شده مطلبی علمی ارائه

دهند.

۲- ایجاد زمینه برای طرح مسائل و مباحث علمی، و گفتگوهای رودرروی پژوهشگران و

سخن‌سنجان.

۳- ایجاد فرصت برای طرح برخی از مشکلات علمی و پژوهشی، و رایزنی برای دستیابی به

راه‌کردهای مناسب.

۴- ایجاد فضای مناسب برای انس و الفت و همبستگی و همدلی، نه تنها بین شرکت‌کنندگان داخلی

بلکه بین آنها و میهمانانی که از کشورهای عربی و آسیای میانه دعوت شده بودند.

۵- ایجاد فرصت برای فتح باب روابط علمی و همکاریهای پژوهشی بین شرکت‌کنندگان.

۶- ایجاد فرصتهای بسیار محدود و کوتاه به دنبال برخی از سخنرانیها، برای نقد و بررسی.

اما ضعفهای همایش را که تا حدودی گریزی از آن نبود؛ می‌توان چنین برشمرد:

۱- گسترده‌گی زمینه‌های بحث، تعداد زیاد شرکت‌کنندگان، و شاید تازه کار بودن دانشگاه الزهرا در

زمینه همایشها، باعث شده بود تا بررسی مقالات و آورده به دبیرخانه عمیق صورت نگیرد و در نتیجه رطب

و یابس و غث و سمین در کنار هم نشیند.

۲- سخنها و مقالات کمتر جنبه ابداع و طرح فکری نو داشت، و عموماً بهانه و دستاویزی برای

حضور در همایش بود نه ارائه اندیشه‌ای در پژوهش. این مسأله در مورد میهمانان خارجی نیز مشهود بود.

۳- اصرار بر ارائه و روخوانی انبوهی از غث و سمین این مقالات در جلسات همایش، که پیامدهای زیر را در بر داشت:

الف- ناگزیر بودن از اختصاص زمانی بسیار کوتاه برای سخنرانیها، شاید انتخاب عنوان "کلمه" یا "برگ" برای ایراد سخن در برنامه روزانه همایش، منعکس‌کننده کم‌وکیف این ظرف و مظهر و باشد.

ب- تبدیل شدن روخوانی مقالات در برخی موارد به تندخوانی، و گاهی همراه با دراز شدن دست استغاثه تندخوان یا دفع شرّ اخطار ضیق وقت از وی، به سوی رئیس وقت جلسه.

ج- تزیین نکته‌های سخنران مایه‌ور، و تشجیع کم‌مایه‌های بی‌هنر.

د- آراستن غث و یابسها به ذکر مناقبی در وصف صاحبان آنها قبل از ایراد سخن، این کار در مواردی که معرفت و شناختی حاصل بود، داستان سیمرغ و عنقار را به نظر می‌آورد.

ه- تراکم سخنرانیهای پشت سر هم و تکراری از صبح تا سر شب، که خسته‌کننده و ملالت‌آور بود. این پیامدهای نامطلوب باعث شده بود تا حضار جریان سخنرانیها را با اشتیاق دنبال نکنند و سخن‌سنجان نیز از کنار مقالات سست و برگرفته از کار دیگران، و همچنین از روخوانیهای پر غلط، با سماحت بگذرند و آیه و اذا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُوا كِرَامًا را مقتدای خود قرار دهند، و سخنران را به حال خود رها کنند تا هرچه دل تنگش می‌خواهد بگوید.